

آینده پژوهی دین سیاسی ایران

تألیف: دکتر عبدالمجید محمدی لرد



سرشناسه: محمدی‌لرد، عبدالمحمود، ۱۳۵۸ -

عنوان و نام پدیدآور: آینده‌پژوهی ثبات سیاسی ایران / عبدالمحمود محمدی‌لرد.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۳۴۴ ص: جدول، مصور، نمودار.

فروست: علوم سیاسی؛ ۱۶۰. سیاست ۵۰.

شابک: 978-600-5282-74-0

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

موضوع: ثبات سیاسی - ایران

موضوع: ایران - سیاست و حکومت - قرن ۱۴

سرشناسه: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ردیف دی‌کنگره: ۱۳۹۳ / ۳۱۹ / م ۲ / ۲۳۰ JC

رده‌بندی دیو: ۹۵۵ / ۳۲۰

شماره کتابشناختی: ۳۴۹۶۷

آینده‌پژوهی ثبات سیاسی در ایران

نویسنده: عبدالمحمود محمدی‌لرد

ناشر: پژوهشکده مطالعات راهبردی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۵۰۰

چاپ و صحافی: کامیاب

قیمت: ۱۵۰,۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۸۲-۷۴-۰

تهران خیابان کریم‌خان زند، خیابان آبان جنوبی، خیابان رودس شرقی

شماره ۷ - صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۵۱۸۹

دورنگار: ۸۸ ۸۹ ۶۵۶۱

تلفن: ۸۸ ۹۱ ۲۸ ۳۰

روابط عمومی: ۸۸ ۸۰ ۲۴۷۷

تلفکس انتشارات: ۸۸ ۸۰ ۲۴۷۶

کلیه حقوق برای پژوهشکده مطالعات راهبردی محفوظ است.



پژوهشکده مطالعات راهبردی

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار
۱۵	مقدمه
فصل اول: مبانی بی‌ثباتی بی‌ثباتی سیاسی	
۲۱	الف. تعاریف ثبات بی‌ثباتی سیاسی در دیدگاه‌های مختلف
۲۱	دیدگاه تداوم
۲۲	دیدگاه تجربی
۲۲	دیدگاه ژورنالیستی
۲۳	دیدگاه سیستمی
۲۴	دیدگاه مشروعیت
۲۵	دیدگاه هنجاری
۲۶	دیدگاه عملیاتی
۲۷	ب. گونه‌شناسی ادبیات و پیشینه موضوعی
۲۹	۱- تحلیل توصیفی-تاریخی
۳۲	۲- تحلیل تبیینی
۴۱	۳- تحلیل ساختاری
۴۸	۴- مدل‌های تحلیلی
۶۰	ج. شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی
۶۲	د. مدل ثبات سیاسی

فصل دوم: روش‌شناسی

۶۸.....	مبانی نظری آینده‌پژوهی.....
۶۹.....	تاریخچه و ضرورت آینده‌پژوهی.....
۷۳.....	مفروضات آینده‌پژوهی.....
۷۶.....	تعریف آینده‌پژوهی.....
۷۸.....	روش‌های آینده‌پژوهی.....
۹۲.....	روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی.....
۱۰۸.....	روش پاریتو.....
۱۱۱.....	روش سلسله‌ای پیر-مقابل.....
۱۲۰.....	روش دلفی.....
۱۲۴.....	روش شبیه‌سازی.....
۱۳۲.....	روش تحلیل تأثیر بر روند.....
۱۳۸.....	مدل تحلیل.....

فصل سوم: عوامل مؤثر بر ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی ایران

۱۴۲.....	الف. مدل تحلیل عوامل مؤثر بر ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی ایران.....
۱۴۵.....	ب. دوره‌های ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی ایران.....
۱۴۹.....	۱- بحران مجاهدین خلق و بنی‌صدر.....
۱۵۰.....	۲- بحران در مشهد، اراک و مبارکه.....
۱۵۱.....	۳- بحران قزوین.....
۱۵۲.....	۴- بحران اسلام‌شهر.....
۱۵۳.....	۵- قتل‌های زنجیره‌ای ایران.....
۱۵۳.....	۶- حادثه کوی دانشگاه تهران.....
۱۵۴.....	۷- تحصن نمایندگان مجلس ششم.....
۱۵۵.....	۸- بحران خوزستان.....
۱۵۶.....	۹- تغییرات کابینه در دولت نهم.....

۱۰-	بحران در شهرهای آذری زبان	۱۵۶
۱۱-	حوادث پس از انتخابات دهم	۱۵۶
۱۲-	خانه‌نشینی محمود احمدی‌نژاد	۱۵۸
ج.	تحلیل‌های تک علتی ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی	۱۶۱
۱-	محرومیت نسبی	۱۶۱
۲-	فرصت‌های سیاسی	۱۶۴
۳-	عوامل خارجی و ساختارهای بین‌المللی	۱۶۶
۴-	آسیب‌پذیری	۱۶۷
۵-	تأثیر شریعت	۱۶۸
۶-	تنوع قوم و نژادی	۱۶۹
۷-	ضعف دموکراسی	۱۷۱
۸-	وجود جنبش اجتماعی معارفت با حکومت	۱۷۲
۹-	فرهنگ سیاسی دگر	۱۷۳
۱۰-	مشکلات اقتصادی	۱۷۴
د.	تحلیل‌های تجربی یا چند علتی ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی	۱۷۵
هـ.	تحلیل بین‌کشوری عوامل موثر بر ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی	۱۸۱
و.	مدل ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی ایران	۲۰۷
ز.	آزمون کارایی روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی برای برآورد ریسک بی‌ثباتی سیاسی	۲۱۸
فصل چهارم: تحلیل کمی ثبات سیاسی ایران در دهه ۱۴۰۰ هجری شمسی		
الف.	سناریوهای محتمل و مطلوب در خصوص ثبات سیاسی ایران	۲۲۹
ب.	محتمل‌ترین سناریوی ثبات سیاسی ایران	۲۳۵
۱-	متغیر کلیدی کنترل فساد	۲۳۶
۲-	متغیر کلیدی کارآمدی حکومت	۲۳۷
۳-	متغیر کلیدی حاکمیت قانون	۲۳۸
۴-	متغیر کلیدی جهانی شدن	۲۳۸

- ۵- متغیر کلیدی سودمندی اقتصاد ۲۳۹
- ۶- متغیر کلیدی فرهنگ سیاسی دموکراتیک ۲۴۰
- ۷- متغیر کلیدی وفاق نخبگان سیاسی ۲۴۰
- ۸- متغیر وابسته ثبات سیاسی ۲۴۱

فصل پنجم: تحلیل کیفی ثبات سیاسی ایران در دهه ۱۴۰۰ هجری شمسی

- الف. متغیرهای کیفی مؤثر بر ثبات سیاسی ایران در دهه ۱۴۰۰ هجری شمسی ۲۴۵
- ۱- شکاف‌های مذهبی - قومی ۲۴۶
- ۲- حاکمیت نظامی و تأسیسات هسته‌ای کشور ۲۴۸
- ۳- تحولات اقلیت‌ها - برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران ۲۵۱
- ۴- پیشرفت‌ها - ساماندهی الگوهای ملامی - ایرانی ۲۵۳
- ۵- ظهور گفتمان سیاسی ثبات‌بخش ۲۵۴
- ۶- رهبری و مرجعیت دینی ۲۷۰
- ب. تأثیر متغیرهای کیفی بر ثبات سیاسی ایران ۲۷۲
- ج. راهبرد ثبات سیاسی ایران در دهه ۱۴۰۰ هجری شمسی ۲۷۴
- ۱- افزایش ضریب جهانی شدن و ادغام بیش‌تر در اقتصاد بازار جهانی ۲۷۵
- ۲- افزایش وفاق نخبگان سیاسی ۲۸۰
- ۳- توسعه فرهنگ سیاسی دموکراتیک ۲۸۲
- ۴- کنترل فساد اقتصادی ۲۸۶
- ۵- افزایش کارآمدی حکومت ۲۸۸
- ۶- افزایش حاکمیت قانون ۲۹۱
- ۷- بهبود سودمندی اقتصاد ۲۹۳
- ۸- مدیریت منازعات قومی ۲۹۵
- نتیجه‌گیری ۲۹۹
- فهرست منابع ۳۰۹
- پیوست‌ها ۳۲۱

- پیوست شماره ۱: لیست خبرگان دانشگاهی ۳۲۱
- پیوست شماره ۲: شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی ایران ۳۲۲
- پیوست شماره ۳: آمار توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته ۳۲۳
- پیوست شماره ۴: نقاط گسست کیفی متغیرهای مستقل و وابسته ۳۲۵
- پیوست شماره ۵: سازگاری و شمول ۷۳ متغیر نسبت به بی‌ثباتی سیاسی ۳۲۸
- پیوست شماره ۶: سازگاری و شمول ۷۳ متغیر نسبت به ثبات سیاسی ۳۳۰
- پیوست شماره ۷: پرسش‌نامه دلفی ۳۳۳
- پیوست شماره ۸: آمار توصیفی متغیرهای ریسک بی‌ثباتی سیاسی ۳۳۴
- پیوست شماره ۹: تحلیل شرط لازم ریسک بی‌ثباتی سیاسی ۳۳۵
- پیوست شماره ۱۰: تحلیل شرط لازم برای هر یک از حالت‌های کیفی متغیرهای کلیدی ۳۳۶
- پیوست شماره ۱۱: ماتریس تأثیرات متقابل ۳۴۱
- پیوست شماره ۱۲: رتبه‌بندی دوره‌های منطقه در شاخص‌های مدل ثبات سیاسی ۳۴۲
- پیوست شماره ۱۳: پاسخ‌نامه متغیرهای کلیدی مؤثر بر ثبات سیاسی ۳۴۳

پیشینه گفتار

سیاست اجتماعی از برهم‌کنش سه عامل حکومت، توسعه و تعارض تعریف می‌شود. تضادها و تعارض‌های اجتماعی و سیاسی ویژگی طبیعی و تا حدی اجتناب‌ناپذیر حیات اجتماعی بشر است که سبب و شکل متفاوتی دارد. تضادها می‌تواند در قالب‌های نهادمند به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز و به شیوه‌ای مبتنی بر تفرین ظاهر شود و یا برعکس سرشتی تخاصمی، خشونت‌آمیز و بی‌ثبات‌کننده به خود گیرد. هر یک از این‌ها می‌تواند تعارضات حاد اجتماعی و سیاسی را کنترل کند و یا در قالب کنش‌های نهادینه و رسمی جای دهد، به همان میزان ثبات سیاسی خود را مستحکم و بقای خود را تضمین می‌کند.

در کشور ایران، علی‌رغم تمام تلاش‌ها که در بیش از یک قرن گذشته برای نهادینه کردن کنش سیاسی در قالب‌های حکومت، گروه، نهضت ملی، انقلاب سفید و مردم‌سالاری دینی صورت گرفته است، هنوز هم حوادث بی‌ثبات‌کننده کشور مشاهده می‌شود که توان و پتانسیل دولت مستقر را به خود مشغول داشته و ثوابت و ثوابت‌های کشور را به تأخیر می‌اندازد. این در حالی است که سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور برای ایران در دهه‌ی ۱۴۰۰ هجری شمسی، ثبات سیاسی مردم‌سالاری را پیش‌بینی کرده است که می‌تواند الهام‌بخش کشورهای منطقه باشد؛ اما روندهای جاری کشور، چنین چشم‌اندازی را با وضوح نشان نمی‌دهد و یا اینکه حداقل برنامه‌ای مدون برای آن وجود ندارد. هدف از بررسی این پژوهش، پیش‌بینی وضعیت ثبات سیاسی ایران در دهه ۱۴۰۰ هجری شمسی و شناسایی راهبرد نیل به آرمان‌های سند چشم‌انداز در حوزه ثبات سیاسی است.

برای نیل به این مقصود چهار مرحله‌ی پژوهشی با روش‌شناسی‌های مختلف در نظر گرفته شده است. ابتدا علل ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی کشور شناسایی و سپس در مرحله دوم سناریوهایی برای وضعیت ثبات سیاسی کشور معرفی شده است. در مرحله سوم سناریوهای

مختلف در یک سامانه شبیه‌سازی مورد آزمون قرار گرفته و محتمل‌ترین سناریو برای وضعیت ثبات سیاسی کشور در دهه اول ۱۴۰۰ هجری شمسی شناسایی شده است. در نهایت در مرحله چهارم مناسب‌ترین راهبرد برای ثبات سیاسی کشور در دهه مذکور تدوین شده است.

در مرحله اول بر اساس رهیافت سیستمی دیوید ایستون سعی شده است علل و ریشه‌های ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی در فرآیند پویای سیستم اجتماعی شناسایی شده و در یک مطالعه تطبیقی با استفاده از فرضیه‌هایی واجد شروط لازم و کافی مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس یافته‌های این تحقیق، مهم‌ترین عواملی که بر ثبات سیاسی تأثیر دارند عبارت‌اند از فساد حکومت، کارآمدی حکومت، سودمندی اقتصاد، حاکمیت قانون، فرهنگ سیاسی دموکراتیک، جهانی شدن وفاق نسبان سیاسی.

در مرحله دوم برای هر یک از عوامل هفت‌گانه فوق و ثبات سیاسی سه حالت کیفی تعریف شده و میزان تأثیر متقابل حالات کیفی عوامل مختلف سنجیده شده است. سپس با استفاده از نرم‌افزار تولید سناریو تعریف شده سناریو که به لحاظ منطقی محتمل هستند برای وضعیت ثبات سیاسی کشور تعریف شده است.

در مرحله سوم، سامانه شبیه‌سازی ثبات سیاسی با استفاده از روش برون‌یابی روند ایجاد شده و وضعیت هر یک از متغیرهای کلیدی از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۴۱۰ ترسیم شده است. نتایج پژوهش نشان داد که از میان متغیرهای کلیدی فقط متغیرهای جهانی شدن و سودمندی اقتصاد روندی کاهشی داشته و سایر متغیرها نسبت به شرایط دهه ۱۳۸۰ افزایش یافته‌اند. ثبات سیاسی کشور نیز با وجود افزایش در دهه ۱۴۰۰ هجری شمسی، در مقایسه با سایر کشورهای جهان در حد کم برآورد شده است. پس از تحلیل کمی، تأثیر متغیرهای کیفی همچون جابجایی قدرت، حمله نظامی، منازعات قومی، توافقنامه پنجم توسعه، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و گفتمان انقلاب اسلامی بر روند کمی ثبات سیاسی مورد ارزیابی قرار گرفت و بر اساس نتایج به دست آمده، خط روند ثبات سیاسی کشور بهبود یافته و به سطح متوسط جهانی رسید.

در مرحله چهارم با توجه به روند رشد متغیرهای کلیدی مؤثر بر ثبات سیاسی کشور، مناسب‌ترین راهبرد جمهوری اسلامی ایران برای افزایش ثبات سیاسی در دهه ۱۴۰۰ هجری شمسی، به ترتیب اولویت تلاش برای افزایش روابط اقتصادی با نظام جهانی، افزایش کارآمدی

حکومت، گسترش وفاق میان نخبگان سیاسی کشور، کنترل فساد اقتصادی، اشاعه فرهنگ سیاسی دموکراتیک، توسعه حاکمیت قانون در فرآیندهای سیاسی کشور، ایجاد اقتصاد سودمند و رشد اقتصادی متوسط و در نهایت مدیریت منازعات قومی تدوین شد.

با توجه به اینکه این پژوهش متغیر محور است و لازم است متغیرهای زیادی مورد آزمون قرار گیرند؛ اما مسئله اصلی فقدان متغیرهای کمی بومی است که می‌تواند نشانه‌ای از عقب‌ماندگی علم سیاست در ایران در مقایسه با کشورهای پیشرفته باشد. در خلال این پژوهش حتی یک متغیر سیاسی و اقتصادی یافت نشد که توسط محققان و اساتید کشور تولیدشده و وضعیت کشور را در آن متغیر مشخص شده باشد. برعکس، خیل عظیم متغیرهایی وجود دارد که توسط مؤسسات و پژوهشگران غربی تولیدشده و وضعیت ایران و سایر کشورهای جهان در آن متغیرها متصل شده است. در کشورهای غربی، تولید و تعریف هر متغیر به طور معمول در قالب یک رساله دکتری انجام شده و سپس گروهی در دانشگاه یا پژوهشگاه مربوط، به اندازه‌گیری متغیر در کشورهای ایران پرداخته‌اند.

با توجه به اعتبار علم سیاست غربی و گسترش آن در جهان کنونی، یکی از مراحل بومی‌سازی علم سیاست در ایران، تعریف متغیرهای بومی است که شایسته است در قالب نقشه جامع علمی کشور، در دستور کار دانشگاه‌های مادر قرار گیرد. البته این مهم نیازمند بودجه فراوانی است که تأمین آن از عهده دانشگاه‌های کشور خارج است. با توضیحات مذکور، در این پژوهش تلاش شده است در تحلیل ساختاری عوامل مؤثر بر سیاست‌های ایران، از متغیرهای کمی موجود که غیربومی هستند، استفاده شده و در مقام تحلیل کمی، ویکرد بومی مورد توجه قرار گیرد. در حقیقت این پژوهش به روش تلفیقی انجام شده است که در آن روش کمی مبنای تحلیل بوده و با کمک روش کیفی، فقط تأثیر متغیرهای کیفی بر روش کمی سنجیده شده است. شایان ذکر است که غیربومی بودن متغیرها به معنی غیرعلمی یا غیربومی بودن آنها نیست. همه دانشمندان جهان با استفاده از همین متغیرها، پیش‌بینی‌های معتبری در مورد ایران و سایر کشورهای جهان ارائه می‌دهند.

با توجه به اینکه بخشی از داده‌های تحقیق از طریق اخذ نظرات خبرگان دانشگاهی کشور جمع‌آوری شده است، لذا نویسنده بر خود لازم می‌داند مراتب تشکر و قدردانی خود را از همکاری آن عزیزان که اسامی آنها در پیوست شماره ۱ کتاب ذکر شده است اظهار کرده و

توفیق روزافزون برای آن‌ها از درگاه ایزد منان مسألت نماید. همچنین از راهنمایی‌های اساتید ارجمند دکتر ابراهیم برزگر، دکتر محمدباقر خرمشاد، دکتر غلامرضا خواجه‌سروی، دکتر محمدرحیم عیوضی و دکتر حشمت‌اله فلاحت‌پیشه و زحمات مسئولان پژوهشکده مطالعات راهبردی به ویژه دکتر نورائی و دکتر یزدان‌فام که امکان انتشار این کتاب را فراهم نمودند، صدمانه سپاس‌گزاری می‌شود. مؤلف این اثر را به همسر مهربان و فرزند عزیز خود تقدیم می‌نماید که با شکیبایی بسیار نویسنده را در مراحل مختلف پژوهش یاری دادند.

عبدالمحمود محمدی‌لرد

تابستان ۱۳۹۲

www.ketab.ir

ثبات و پایداری همواره یکی از مهم‌ترین اهداف حاکمان است و رهبران سیاسی همه کشورها گرایش دارند که نظام سیاسی خود را جاودانه نمایند. اندیشمندان سیاسی نیز همواره نخستین هدف سیاست و کارکرد نظام سیاسی را برقراری نظم و ثبات یا زائد و غیرضروری جلوه دادن آن در صورت به ویژه به منظور رویارویی با اقتدار حکومت‌ها تلقی کرده و کنش‌های اعتراضی^۱ نمونه بارز آمادی نهادهای سیاسی تلقی می‌نمایند. به هر حال همواره افرادی وجود دارند که خواهان برآوردن خود شورش می‌کنند و تاریخ سیاسی بشر، برای همه نسل‌ها جنگ‌های داخلی، انقلاب‌ها، تروورها، اعتصابات و تظاهرات مسالمت‌آمیز را ثبت کرده است؛ لکن وضعیت کشمکش مختلف از حیث بی‌ثباتی سیاسی به صورت چشمگیری متفاوت است. در برخی از کشورهای جهان، سوم، اعتراضات مردمی به سرعت شکل آشوب به خود می‌گیرد، در صورتی که در پاره‌ای از کشورهای غربی این نوع وقایع نادر است. در حقیقت کامیابی برخی جوامع در هدایت کشمکش‌های داخلی به راه‌های مسالمت‌آمیز در قیاس با کشورهای جهان سوم بسیار زیاد است.

شواهد و آمارهای موجود در سطح جهان نیز حاکی از آن است که بی‌ثباتی‌های اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی در طول چند دهه گذشته افزایش یافته است. به عنوان مثال، سال‌های ۶۴-۱۹۶۰ تا ۹۴-۱۹۹۰ میلادی نسبت کشورهایی که جنگ داخلی را تجربه کرد، ۲ درصد به ۲۸ درصد افزایش یافته است و از سال ۱۹۴۵ میلادی تا سال ۲۰۰۵ بیش از ۱۴ جنگ داخلی در سرتاسر جهان باعث کشته شدن بیست میلیون نفر و آوارگی هفتاد میلیون نفر شده است (رجب‌زاده و طالبان، ۱۳۸۶، ص. ۵۵). همچنان که تدریجاً گار^۱ نیز معتقد است «پس از جنگ

جهانی دوم تاکنون، اقدامات خشونت آمیز برای برانداختن حکومت‌ها در سطح جهان شایع‌تر از انتخابات سراسری بوده است» (گار، ۱۳۷۶، ص. ۲۴).

ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای جهان سوم بیش از یک سده پر از کشمکش و خشونت سیاسی را پشت سر گذاشته است. جامعه ایران نیمی از این یک سده را به طور متناوب درگیر شورش‌ها، جنبش‌ها، انقلاب‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاسی برآمده از آن‌ها بوده و نیم دیگر را به تناوب زیر سایه حکومت‌های اقتدارگرا به سر برده است؛ اما عمر این حکومت‌ها نیز اغلب کوتاه بود. اغلب از طریق یک جنبش سیاسی یا انقلاب و یا مداخله نظامی خارجی به شدت تضعیف شده یا فروپاشی می‌یافت. (دلآوری، ۱۳۷۸، ص. ۱). بنابراین یکی از جلوه‌های برجسته‌ی تاریخ معاصر ایران به دوره از عصر مشروطه تاکنون، بی‌ثباتی‌های پی در پی سیاسی است که توان بسیاری از حاکمیت‌ها را مستقر را از اهداف و برنامه‌های اصلی خود منحرف کرده و در نهایت کاهش کارآمدی نظام سیاسی را به همراه داشته است. پس از انقلاب اسلامی نیز گونه‌های مختلفی از بی‌ثباتی سیاسی همچون بروز یافته و چالش‌هایی برای دولت و جامعه سیاسی ایجاد کرده است. درحالی‌که یکی از اهداف انقلاب‌ها و جنبش‌های اصلاح طلبانه، پایان دادن به بی‌ثباتی سیاسی یا خشونت سیاسی است؛ اما در ایران این تلاش‌ها به باز تولید بی‌ثباتی سیاسی منجر شده است.

به نظر می‌رسد مشکلات سیاسی و بحران‌های کنونی جامعه ایران موجه‌ترین دلیل برای تفکر در مورد آینده و نتیجه‌ی قهری نپرداختن به موانع و مشکلات، قبل از بروز آن‌ها به شکل بحران است. از آنجا که گذشته دیگر در دسترس نیست و تنها خاطره‌ای از آن برجای مانده است، حال نیز به سرعت به گذشته می‌پیوندد و کوچک‌ترین تأثیری را بر مردم ندارد. لذا آینده تنها فرصتی است که برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کشور باقی مانده است تا با تعیین اهداف و برنامه‌های خود را برای ثبات بخشی بر فرآیندهای سیاسی کشور پیاده سازند. رهبران جمهوری اسلامی ایران به خوبی جهان معاصر را عرصه تحولات شگرف و پویایی شتابنده دیده و با تدوین سند چشم‌انداز بیست‌ساله، ضرورت بیشتری برای پیش‌بینی تغییرات احساس نموده‌اند. به نظر می‌رسد تحولات حیرت‌آور این عصر ناشی از دگرگونی‌های شگفت در حوزه‌ی فناوری، معرفتی و روند شتابناک جهانی شدن است. این تغییرات چنان برق‌آسا از راه می‌رسند که حتی لحظه‌ای درنگ می‌تواند بهای گزاف غافل‌گیری راهبردی در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را بر

حکومت‌ها تحمیل نماید. در این محیط سرشار از بی‌ثباتی و آکنده از عدم قطعیت، تنها رویکرد و سیاستی که احتمال موفقیت و کامروایی دارد، تلاش برای معماری آینده است.

از آنجا که تداوم بی‌ثباتی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین موانع تحقق آرمان‌های سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور است، لذا شناسایی عوامل بی‌ثبات کننده‌ی ایران ۱۴۰۴ و برنامه‌ریزی راهبردی برای کاهش بی‌ثباتی سیاسی در آن زمان، از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و از مهم‌ترین وظایف جامعه علمی کشور است. به ویژه اینکه با سرعت گرفتن آنگاه تحولات نرم‌افزاری (فرهنگی) و سخت‌افزاری (اقتصادی) در عصر جهانی شدن، زمان دسترسی به ابزارهای نوین آمادگی‌سازی و انتقال دستورات و تبیین دقیق پدیده‌های اجتماعی کمتر شده و در نظر گرفتن محدودیت‌های انسانی و همچنین کاهش مبنای زمانی صحنه بین‌الملل، ضروری است که پژوهش اجتماعی کاربردی نیز متحول شده و برای پاسخ‌گویی (تبیین، پیش‌بینی، تجزیه و تحلیل) به تحولات جدید آمادگی داشته باشد. بر این اساس، در این تحقیق از «آینده‌پژوهی» هم به عنوان راهبرد پژوهش و هم به عنوان روش و ابزار پژوهش استفاده شده است. از این روی اصلی‌ترین سؤال آنست که در این پژوهش تلاش خواهد شد به آن پاسخ داده شود معطوف به پیش‌بینی وضعیت ژئوپلیتیکی ایران در دهه ۱۴۰۰ هجری شمسی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن می‌باشد. با توجه به کلی بودن سؤال اصلی، تلاش شده است سؤالات فرعی به گونه‌ای تنظیم شوند که هم ابعاد مختلف سؤال اصلی را پوشش داده و هم مراحل مختلف پژوهش بر اساس رهیافت آینده‌پژوهی را نمایند. سؤالات فرعی این تحقیق عبارت‌اند از:

- ۱- مصادیق بارز بی‌ثباتی سیاسی در ایران در مقطع زمانی ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۰ هجری شمسی شامل چه مواردی است؟
- ۲- عوامل مؤثر بر ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی ایران از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۰ هجری شمسی شامل چه مواردی است و اصلی‌ترین آن‌ها کدام‌اند؟
- ۳- چه سناریوهایی در مورد ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی ایران در دهه‌ی ۱۴۰۰ هجری شمسی مطرح بوده و محتمل‌ترین آن کدام است؟
- ۴- راهبرد ثبات سیاسی ایران در دهه‌ی ۱۴۰۰ هجری شمسی چگونه است؟

با توجه به اکتشافی بودن تحقیق، فرضیه‌ای برای سؤالات تحقیق طراحی نشد و علل مؤثر بر ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی و یا سناریوهای مطرح در خصوص آن، پس از شناسایی متغیرهای کلیدی احصاء خواهند شد و فرضیه‌ای تحت آزمون قرار نمی‌گیرد.

این کتاب در پنج فصل سازمان‌دهی شده و برای پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق از روش تلفیقی استفاده شده است. در فصل اول با عنوان «مبانی نظری ثبات و بی‌ثباتی سیاسی»، ابتدا تعاریف ثبات و بی‌ثباتی سیاسی و سپس مطالعات انجام‌شده توسط محققان داخلی و خارجی در موضوعات یا بی‌ثباتی سیاسی در چارچوب یک گونه شناسی ارائه می‌گردد تا از این طریق ضمن معرفی آثار و روش‌های این حوزه، تفاوت این تحقیق با آن‌ها مشخص شود. در پایان این فصل، شاخص بی‌ثباتی سیاسی و مدل ثبات سیاسی مورد بحث قرار می‌گیرد. فصل دوم به روش‌شناسی اختصاص دارد که در آن، اهمیت تحقیق و روش انجام پژوهش به وضوح تشریح می‌گردد. در فصل سوم ابتدا تبیین هر یک از شاخص‌های ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی ارائه‌شده و سپس با بررسی تحلیل‌های تجربی موجود، متغیرهای مؤثر بر ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی شناسایی شده و پس از آن در یک تحلیل بین‌کشوری، علل اصلی ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی شناسایی می‌شود. در بخش دیگر این فصل، مصادیق بی‌ثباتی سیاسی ایران در طول تاریخ ثبات سیاسی از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۹۰ ذکر شده و در نهایت علل ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی در خصوص ایران مورد ارزیابی کیفی قرار گرفته و عوامل مؤثر بر ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی ایران در مقطع زمانی مورد نظر تعیین می‌گردد. در پایان این فصل برای آزمون روش انتخابی برای شناسایی علل بی‌ثباتی سیاسی، روش منتخب در خصوص برآورد ریسک بی‌ثباتی سیاسی در خاورمیانه مورد آزمون قرار می‌گیرد. در فصل سوم تلاش می‌شود به دو سؤال فرعی پاسخ داده شود. برای پاسخ‌گویی به سؤال اول و به منظور شناسایی دوره‌های کوتاه مدت بی‌ثباتی سیاسی ایران از مطالعات تاریخی استفاده خواهد شد. بنابراین در پاسخ‌گویی به این سؤال، روش‌شناسی یا ابزار خاص آینده‌پژوهی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. همچنین در مقام پاسخ‌گویی به بخش اول از دومین سؤال فرعی و برای شناسایی متغیرهای مؤثر بر ثبات و بی‌ثباتی سیاسی ایران بین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۰ هجری شمسی، تلاش می‌شود با بررسی مطالعات و نظریه‌های موجود در خصوص ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی و فرا تحلیل نتایج آن‌ها، طیف گسترده‌ای از متغیرها و عوامل مؤثر بر ثبات و بی‌ثباتی سیاسی با مطالعات اسنادی شناسایی شود. مفروض این است که متغیرهایی که در مطالعات بین‌کشوری یا

مدل‌سازی‌های جهانی بر ثبات سیاسی تأثیر دارند، در جمهوری اسلامی ایران نیز می‌توانند بر ثبات سیاسی موثر باشند. در این مرحله نیز روش‌شناسی یا ابزار خاص آینده‌پژوهی مورد استفاده قرار نگرفته و از روش کتابخانه‌ای استفاده خواهد شد. به منظور پاسخگویی به بخش دوم از سؤال دوم فرعی و برای کشف علل و عوامل اصلی ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی ایران، ابتدا علل اصلی ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی در مدل جهانی با استفاده از روش «تحلیل مقایسه‌ای کیفی فاز۱»^۱ شناسایی شده پس هر یک از علل در خصوص جمهوری اسلامی ایران مورد ارزیابی کیفی قرار می‌گیرد. پس از شناسایی متغیرهای کلیدی در مطالعه بین‌کشوری و ارزیابی کیفی آن‌ها در جمهوری اسلامی ایران به منظور اطمینان بیشتر از صحت نتایج در زیست‌بوم ایران، نتایج مذکور به خبرگان دانشگاهی عرضه شده در صورت تأیید آن‌ها، متغیرهای مذکور به عنوان علت ثبات سیاسی معرفی می‌شود.

در فصل چهارم، برای شناسایی علل شناسایی شده در فصل سوم، ابتدا سناریوهای ممکن و مطلوب در خصوص وضعیت ثبات سیاسی ایران در دهه‌ی ۱۴۰۰ هجری شمسی تولید شده و سپس به کمک یک سامان شبیه‌سازی، محتمل‌ترین سناریو که بیانگر وضعیت ثبات سیاسی ایران در دهه‌ی مذکور است، به دست می‌آید. در این فصل به سومین سؤال فرعی پاسخ داده می‌شود. برای پاسخ‌گویی به بخش اول از سؤال فرعی و ایجاد سناریوهای مطرح در مورد ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی ایران در دهه‌ی ۱۴۰۰ هجری شمسی از روش آینده‌پژوهی «تحلیل تأثیر متقابل کیفی»^۲ استفاده می‌شود. به این ترتیب بر اساس تأثیرات متقابل علل اصلی شناسایی شده در مرحله قبل، سناریوهایی برای ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی ایران تولید می‌شود. به منظور پاسخگویی به بخش دوم سومین سؤال فرعی و برای شناسایی سناریوهای ممکن که واجد محتمل‌ترین وضعیت ثبات و بی‌ثباتی سیاسی ایران در دهه‌ی ۱۴۰۰ هجری شمسی باشد، لازم است سناریوهای به دست آمده در مرحله قبل مورد آزمون قرار گرفته و محتمل‌ترین و پایدارترین آن‌ها انتخاب شود. در این پژوهش برای آزمون سناریوها از سامانه‌های مدل‌سازی استفاده خواهد شد. یعنی هر یک از سناریوهای به دست آمده در مرحله قبل به سامانه شبیه‌سازی عرضه شده و محتمل‌ترین آن شناسایی خواهد شد. یعنی در اصل سامانه شبیه‌سازی، مبنایی برای شناخت وضعیت متغیرها در آینده‌ی مورد نظر خواهد بود. در این مرحله نیز قضاوت

۱. Fuzzy-Set Qualitative Comparative Analysis (FsQCA)

۲. Cross Impact Balance Analysis (CIBA)

خبرگان منتخب به عنوان سناریوهای محتمل توجه قرار خواهد گرفت. با توجه به اینکه سناریوهای رقیب به صورت کیفی تعریف شده‌اند، می‌بایست روش‌های خاصی برای آزمون آن‌ها مورد استفاده قرار گیرد. بدین منظور، رتبه ایران برای هر متغیر کلیدی در میان سایر کشورهای منطقه معیار ارزیابی سناریوها خواهد بود. با توجه به اینکه در سند چشم‌انداز بیست و هفتم کشور هم رتبه ایران در منطقه ملاک ارزیابی اهداف چشم‌انداز است.

پس از اینکه روند ثبات سیاسی کشور در دهه ۱۴۰۰ هجری شمسی مشخص شد، در فصل پنجم تلاش می‌شود تأثیر متغیرهای کیفی بر وضعیت ثبات سیاسی کشور (که به صورت کمی به دست آمده است) را کمی‌تر روش تحلیل تأثیر بر روند مشخص شده و وضعیت ثبات سیاسی کشور با توجه به مجموعه متغیرهای کمی و کیفی تعیین شود. در نهایت برای پاسخ‌گویی به سؤال چهارم فرعی، کاربرد ثبات سیاسی ایران در دهه ۱۴۰۰ هجری شمسی، با تحلیل هر یک از عوامل بسیار مؤثر بر ثبات سیاسی ایران تدوین می‌شود. در این بخش، نحوه حرکت از سناریوی محتمل به سناریوی مطلوب عنوان راهبرد تعریف می‌شود. در پایان کتاب بخشی به عنوان نتیجه‌گیری تعریف شده است که در آن نتایج حاصل از این پژوهش بررسی می‌شود. با توجه به توضیحات فوق، شمای کلی روش‌های مورد استفاده در این پژوهش را می‌توان به صورت ذیل ترسیم کرد. بدیهی است که خروجی هر روش، ورودی روش بعدی را تشکیل داده و مجموع روش‌ها در کنار هم یک سامانه آینده‌پژوهی را تشکیل می‌دهند.

